

هو الابهی

ای بقایای آن نفس مقدّس آن جان پاک از اوج اعلاّی افلاک در ملکوت
ابهی ناظر بشماست و ناطق بثنا که ای منتسبین و متعلّقین شادی کنید و آزادی و
وجد و طرب نمائید و شادمانی که من از آن عالم آلوده آزاد گشتم و در خلوتخانه
ملکوت و صومعه^ء لاهوت مستریح و آسوده گشتم و از دست ساقی عنایت جام
احدیّت نوشیدم و از جمال رحمانیّت شهد لقا چشیدم ای کاش صد هزار جان داشتم
و فدای محبوب یکتا مینمودم و صد هزار سر داشتم و قربان دلبر یکتا میکردم از
شهادت مسرور باشید نه مقهور مشعوف باشید نه ملهوف و البهء علیک (ع ع)